



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شبهه‌های نشر و معرفی اندیشه‌های
امام خمینی (ره) در آموزش و پرورش

دکتر سیدمهدی سجادی

مقدمه:

جستجوی روش‌ها و مدل‌های گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی (علیه السلام) در قالب برنامه‌ها و محتوای درسی، اگر چه ضرورتی است انکارناپذیر، اما بحث امکان و چگونگی تحقق این هدف مهم نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام) از چنان تنوع و تکثری برخوردار است که جمع بندی آن‌ها در قالب یک مجموعه منسجم و همگون کار سختی است. از سوی دیگر، آنچه از ایشان درباره تعلیم و تربیت در دسترس است، بیشتر به کلیات و خط‌مشی کلی تعلیم و تربیت مربوط می‌شود و نمی‌توان در آن‌ها به طور صریح دیدگاه مدوئی را درباره تعلیم و تربیت یافت. چنان‌که امام خمینی (علیه السلام) کمتر درباره روش‌ها، مراحل، ساختار و محتوای تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند و اگر هم اشاراتی در این زمینه‌ها دارند، به صورت کلی و راهنماگونه است. به همین دلیل از میان آراء و آثار ایشان، بیشتر می‌توان به خط‌مشی کلی تعلیم و تربیت دست یافت. این آثار تنها محدود به اشارات مستقیم امام (علیه السلام) به موضوع تربیت نیست، بلکه کلیه کتب و آثار عرفانی، اخلاقی، فلسفی، مذهبی ایشان نیز به نوعی به تربیت مربوط می‌شود. بنابراین گسترش آراء امام (علیه السلام) شامل تمامی آراء و آثار امام (علیه السلام) می‌شود و ما در طراحی شیوه‌های گسترش آراء، باید تمامی آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم. اما مسئله اصلی این است که چگونه و با چه شیوه و مدلی می‌توان آراء امام (علیه السلام) را گسترش داد. در این مقاله ابتدا با مروری بر مهم‌ترین جنبه‌های آراء و دیدگاه‌های امام (علیه السلام) و دسته بندی آن‌ها، به بررسی تنوع این آثار و اندیشه‌ها می‌پردازیم و سپس به روش‌ها و مدل‌هایی که می‌توان با استفاده از آن‌ها به گسترش آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام) پرداخت، اشاره می‌کنیم و برای هر یک از شیوه‌ها و مدل‌های مورد بحث، نمونه‌هایی را از آثار و اندیشه‌های امام (علیه السلام) ارائه می‌دهیم. بدیهی است

آنچه در این مقاله آمده است، مقدمه‌ای برای تحقیقات و برنامه ریزی‌های بعدی است که باید در این حوزه و با جدیت تمام مورد اهتمام قرار گیرد.

مروری بر مهم‌ترین جنبه‌های آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

امام (ره) ایمان به پروردگار، اعتقاد به رسالت انبیاء (علیهم‌السلام) و ایمان به قرآن را منشور هدایت بشری می‌دانست و اعتقاد به ضروریات و احکام دینی را محور وحدت اسلامی و همه‌گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی می‌دانست. از نظر امام (ره) فطرت انسان‌ها به توحید، حقیقت و عدالت گرایش دارد و راز و رمز خداجویی و هدایت به الله و مهار نفس اماره و زیستن در صلح و عدالت، نتیجه آگاه شدن از این فطرت الهی است. بروز و ظهور انقلاب اسلامی نیز از نظر امام خمینی (ره) در جهت تحقق این خواست فطری بوده است: «انقلاب ما برای تحقق عدالت و هدایت به سوی خدا بود و ما نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم» (کلمات قصار، ص ۹۳).

به اعتقاد امام (ره)، هدایت انسان‌ها به سوی معرفت الهی و بالفعل کردن قوای کمال خواهی انسان و اصلاح جامعه و برقراری عدالت، فلسفه بعثت انبیا بوده است: «بعثت برای این است که اخلاق مردم را و اجسام مردم را، تمام این‌ها را از ظلمات نجات بدهند. ظلمات را به کلی کنار بزنند و به جای او نور بیفشاند. غیر حق تعالی نور نیست» (همان، ص ۲۵).

امام خمینی (ره) اسلام را ختم ادیان الهی و عالی‌ترین و جامع‌ترین مکتب هدایت می‌دانست: «اسلام در اعلی مرتبه تمدن است و حقوق اسلام یک حقوق مترقی و مستکمل و جامع است. در اسلام یک قانون است و آن قانون الهی است. اسلام دین عبادت و سیاست است و اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است» (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴). امام خمینی (ره) فیلسوفی الهی، عارفی ربّانی، فقیهی اصولی و مرجع تقلید بخش عظیمی از مردم ایران و جهان بود و به مبانی تمدن و فلسفه غرب و شرق آشنا و بر مبانی و مباحث منطق و فلسفه اسلامی با گرایش‌های مشایی و اشراقی آشنایی کامل و تسلط داشت؛ البته بینش فلسفی ایشان بیش‌تر به فلسفه شهودی و اشراقی نزدیک بود. از نظر ایشان فلسفه راهی برای شناخت مرحله و مرتبه‌ای از حقایق وجود است و از این رو نگاه فلسفی ایشان به حقیقت هستی و وحدت وجود و مراتب آن، به شدت متأثر از ملاحظات مکتب عرفانی است.

از جهت اخلاقی نیز امام (ره) به اخلاق، جهان هستی و حیات از منظر آیات قرآنی، احادیث بزرگان دین و آموزه‌های شرع مطهر می‌نگریست. البته ایشان با رویکردهای اخلاقی صوفیانه و تصوّف منفی، که دین را در ذکر و عبادات فردی خلاصه می‌کند و به پرهیز از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی توصیه می‌کند، مخالف بود.

از منظر امام (ره) خودشناسی اساس خداشناسی است و تهذیب نفوس آدمیان از رذایل و

مفاسد اخلاقی و کسب فضیلت‌ها، شرط لازم برای نیل به معرفت حق است و نیل به معرفت حقیقی و مقامات عالی و معنوی، تنها با پیمودن راه انبیا ممکن است. به همین دلیل، اساس اخلاق مورد نظر امام خمینی(ره)، دین و شرع مقدس است که در عین اینکه به اخلاق فردی توجه دارد، جنبه‌های جمعی اخلاق را نیز مورد توجه اکید قرار می‌دهد؛ چنان که کتاب «چهل حدیث» (اربعین حدیث) ایشان سرشار از توصیه‌ها و نظریه‌پردازی‌های دقیق در باب کیفیت تهذیب نفس و کسب فضایل و رذایل اخلاقی است. چنان که در این کتاب به موضوعاتی چون: مقام نفس، مقام تفکر، مقام عزم و اراده، شیوه‌های اصلاح و مراحل تربیت اخلاقی اشاره دارد. ایشان در بیان مراحل تهذیب نفس می‌گوید: «از اموری که لازم است از برای مجاهد، مشارطه، مراقبه و محاسبه است. مشارطه آن است که در روز اول مثلاً خود شرط کنی که امروز بر خلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکنید. و پس از این مشارطه، باید وارد مرحله مراقبه شوی و آن چنان است که در تمام مدت شرط متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن و به همین حال باشی تا شب که موقع محاسبه است و آن عبارت است از اینکه حساب نفس را بکشی. در این شرطی که با خدای خود کردی، آیا آن را به جا آوردی و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی» (شرح چهل حدیث، ص ۹).

چنان که از این اثر و دیگر آثار امام(ره) پیداست، امام خمینی(ره) حتی مراحل و اقدامات گام به گام تهذیب اخلاقی را مورد توجه قرار داده است. ایشان در کتاب «سراصلوة» به نماز به عنوان گامی عملی برای تهذیب نفس توجه می‌نماید و آن را عاملی برای اتصال با معبود و حرکت در سیر الی الله و سیر و سلوک و تحقق زمینه و امکان سیر الی الله می‌داند و با تفکیک انواع مسیر، به سیر صعودی فی الله، فی الخلق و... توجه به شریعت را به عنوان گام موثر در کسب حقیقت و طریقت می‌داند و نماز را زمینه‌ای برای حضور قلب و کنترل نفس می‌داند» (سراصلوة، ص ۴۰).

امام خمینی(ره) علاوه بر تسلط بر مسائلی چون فلسفه و عرفان و تفسیر و کلام، در فقه و اصول نیز تسلط داشت و به تدریس آن‌ها می‌پرداخت. او برای فقه و اصول جایگاه خاصی را قایل بود و نسبت به برداشت‌های غلط و یا اختلاط در برداشت‌های کلامی و فلسفی و عرفانی یا استنباطات فقهی نادرست نگران بود و به فقه پویا و نگرش اجتهادی متأثر از زمان و مکان توجه خاصی داشت. البته ایشان ضمن تأکید بر دخالت عنصر زمان و مکان در استنباط فقهی و اجتهاد کردن، بر ثبات روش استنباط و اجتهاد تأکید داشت و به پای‌بندی به فقه سنتی تأکید می‌ورزید و به همین خاطر نظریه امام(ره) در باب حکومت نیز متأثر از این نگرش امام(ره) نسبت به فقه سنتی است: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه ثوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور

است» (منشور روحانیت، ص ۸۸).

نظریه تشکیل حکومت اسلامی بر اساس ولایت فقیه در زمان غیبت نیز، خود متأثر از طرز نگاه امام خمینی (علیه السلام) به فقه و دین بوده است. ایشان صرف نظر از تفاوت‌های ماهوی در هدف و آرمان‌های حکومت اسلامی نسبت به دیگر حکومت‌ها، از ضرورت عقلی حکومت مبتنی بر ولایت فقیه صحبت می‌کند و می‌فرمایند: «مسئلاً از عقل به دور است که خداوند جاهل و ظالم را والی مسلمین و حاکم بر مقدرات و مال و جان‌شان قرار دهد و از خود به دور است که قانون آن طور که باید تحقق یابد، مگر به دست والی عالم و عارف» (کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۵).

از نظر امام (علیه السلام)، حکومت ولایت فقیه حکومت قانون خداوند است و اطاعت از آن نیز لازم است: «حکومت اسلامی حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و به قانون و فرمان و حکم خدا. همه افراد از جمله رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و خلفای بعد از او و تا ابد تابع قانون هستند. همان قانونی که از طرف خدا نازل شده است» (ولایت فقیه، ص ۵۲).

البته نگاه امام (علیه السلام) به حکومت، نگاه مردمی است و می‌توان حکومت مورد نظر او را مردمی‌ترین حکومت‌ها دانست؛ زیرا در عین این که اختیارات فراوانی را برای حاکم قایل است، به مشارکت، دخالت و رأی مردم در تعیین سرنوشت حکومت نیز توجه دارد و آن را نوعی تکلیف شرعی می‌داند. به نظر ایشان حکومت اسلامی بر پایه عشق و اعتقاد متقابل مردم و رهبر صالح استوار است: «اگر یک فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند، از ولایت می‌افتد. رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای نخواست به غرور و بزرگ اندیشی وادارد» (صحیفه نور، ص ۸۰، ج ۲۱).

امام خمینی (علیه السلام) در کتاب ولایت فقیه، ضرورت حکومت دینی را مورد بحث قرار داده است و دلیل لزوم تشکیل حکومت را، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام و شرع می‌داند؛ چرا که قوانین شرع حاوی مقررات متعددی است که نظام کلی اجتماعی را می‌سازد.

عرضه دیگری که امام خمینی (علیه السلام) بسیار به آن پرداخته، عرضه فرهنگ و تعلیم و تربیت است. ایشان با تأکید بر نقش زیربنایی فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. آن چیزی که ملت را می‌سازد، فرهنگ صحیح است. عمده شرافت انسانی است، نه شکم و نه نان و... شما کوشش کنید که با بیان و قلم مسلسل‌ها را کنار بگذارید و میدان را به قلم‌ها و علم‌ها و به دانش‌ها واگذار کنید» (کلمات قصار و...، ص ۲۱۲).

در زمینه تعلیم و تربیت نیز امام (علیه السلام) سخنان و گفتار فراوانی دارد که راهگشای عملی و نظری دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. ایشان مراقبت از نفس و تهذیب دایمی آن از آلودگی‌های هوای نفسانی را مهم می‌دانست و بر این باور بود که تربیت باید از دوران کودکی و حتی دوران زندگی جنینی به وسیله مراقبت‌های مادر مورد توجه قرار گیرد و به همین دلیل، مادری را وظیفه بسیار سنگین و مهم می‌دانست: «هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. اول مدرسه‌ای که بچه دارد،

دامن مادر است» (همان، ص ۳۲).

امام (علیه السلام) به دوره‌ها و مراحل تعلیم و تربیت نیز توجه نموده است، چنان که در بیان اهمیت دوران کودکی تربیت می‌گوید: «توجه کنید که دوره مدرسه مهم‌تر از دانشگاه است، چرا که رشد عقلی بچه‌ها در این دوره شکل می‌گیرد» (همان، ص ۴۲).

ایشان هم چنین به دوره جوانی نیز توجه نموده و می‌گوید: «اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید، دیگر در پیری کار از کار گذشته است. تا جوانید، فکر می‌کنید. قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه‌های فساد در آن ضعیف است لکن هر چه سن بالاتر برود ریشه گناه در قلب محکم‌تر می‌شود. قلب انسانی ابتدا مانند آینه صاف و نورانی است و هر گناه یک نقطه سیاه بر آن می‌افزاید.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۷).

نقش معلم در تربیت نیز مورد توجه امام خمینی (علیه السلام) بوده است. امام (علیه السلام) معلم را امانت داری می‌داند که امانت او انسان است. همه سعادت‌ها و شقاوت‌ها انگیزه‌اش در مدرسه است و معلمین کلید آن هستند. نقشی که امام (علیه السلام) برای معلمان قایل است، نقش انبیاست. به نظر او، انبیا هم معلم بشر بوده‌اند: «نقش معلم نقش مهمی است. همان نقش تربیت است که اخراج از ظلمات به سوی نور است. شغل معلمی تعلیم و تربیت انسانی و تعلیم و تربیت اسلامی است و وظیفه مهم هدایت جامعه است به سوی الله.» (در جستجوی راه امام از کلام امام، ص ۳۹)

امام خمینی (علیه السلام) بر ضرورت توجه به مبانی دینی و شرعی تعلیم و تربیت تأکید ورزیده و به دین به عنوان تنها چیزی که می‌تواند انسان را از خیانت و جنایت باز دارد، می‌نگرد و می‌گوید: «اساس، تربیت دینی است و توجه دادن توده به فضایل روحی و معنوی و توسعه نظرهای محدود مردم است.» (کشف الاسرار، ص ۲۷) و در جای دیگر نیز با تأکید بر تدوین مبانی دینی تربیت می‌گوید: «از امتیازات مکتب توحید این است که مکتب‌های توحیدی مردم را تربیت می‌کنند و آن‌ها را از ظلمات خارج می‌کنند و به جانب نور هدایت می‌کنند. مکتب‌های توحید که در رأس آن اسلام است، در عین حال که با مادیات سروکار دارند لیکن قصد این است که مادیات حجاب آن‌ها برای معنویات نباشد. کوشش نمایید تا برنامه‌های اصولی و منطبق با موازین اسلام ارایه نمایید و حیثیت ملت و مذهب خودتان را حفظ کنید. باید برنامه‌ها بر اساس بینش و فرهنگ اسلام تنظیم شود» (در جستجوی راه امام از کلام امام، ص ۹۳).

توجه به احادیث و سنت نبوی و ائمه معصومین علیهم السلام نیز نکته‌ای است که از منظر امام خمینی (علیه السلام) می‌تواند مبنایی برای تدوین برنامه‌های تربیتی باشد:

«حدیث آن‌هایی را شامل می‌شود که علوم اسلامی را گسترش می‌دهند و احکام اسلام را بیان می‌کنند و مردم را برای اسلام تربیت و آماده می‌سازد. نص الهی که عبارت از تمام احکام است، از باب اینکه به پیغمبر اکرم وارد شده است، معنی رسول الله نامیده می‌شود. پس کسی که می‌خواهد نص رسول اکرم را نشر دهد، باید تمام احکام الهی را بداند» (جهاد اکبر، ص ۴۰).

علت تأکید امام (علیه السلام) بر دین و سنت در امر تربیت، به خاطر توجهی است که ایشان به مقام انسانی در تربیت مبذول می‌دارند و بر این باورند که تنها دین الهی و سنت و سیره ائمه است که می‌تواند انسان را به معنی کامل آن به ما بشناساند. از منظر امام (علیه السلام) دین می‌تواند انسان را به مقام بالای الهی و انسانی برساند: «اگر برای هر علمی موضوعی است، علم همه انبیا موضوع اش انسان است. برنامه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همان سوره‌ای است که در اول وارد شده است. اقراء باسم ربک... انبیا موضوع تربیتشان انسان است، آمده‌اند انسان را از مرتبه طبیعت به مرتبه مافوق الطبیعه و جبروت برسانند. قرائت هم باید باسم رب باشد. درس بخوانند به اسم رب، تعلیم، تعلم، فقه، فلسفه و علم توحید تنها فایده ندارد، تا مقرون به اسم رب نباشد» (در جستجوی راه...، ص ۹۰).

امام (علیه السلام) درباره لزوم همراهی تعلیم با تربیت معتقد است: «تعلیم باید در کنار تربیت باشد. تربیت صحیح، تربیت اسلامی، اگر تعلیم باشد، بی تربیت، فایده ندارد و گاهی مضر است. تربیت بی تعلیم هم نمی‌شود. باید با هم باشد. انسان یک نباتی است، اول، و بعد یک حیوانی مثل سایر حیوانات است و از آنجا راهش جلوتر می‌رود و به واسطه تربیت به مقام انسان می‌رسد» (همان، ص ۶۶): و در مورد کیفیت آموزش و پرورش بر این باور است که: «آموزش و پرورش لفظی بوده است. وزارت آموزش و پرورش؟ نه آموزش آموزش بود و نه پرورش پرورش. آموزش این بود که جوان‌های ما را گرایش به غرب و شرق می‌داد و پرورش هم این بود که لاابالی بار می‌آورد. آموزش و پرورش دینی نبود و آنچه را که هم بوده است، مفید نبوده است» (همان، ص ۳۰).

ایشان در مورد نقش رسانه‌ها در امر تعلیم و تربیت می‌گویند: «سیمای جایی برای آموزش است و برای پرورش است. رادیو، تلویزیون و تأثر و همه این دستگاه‌ها باید وسیله‌ای برای آموزش و پرورش باشد. اسلام با این‌ها مخالف نیست، اسلام می‌خواهد این‌ها در خدمت اسلام باشد و در خدمت تربیت جوانان باشد» (روح خدا، ص ۲۹).

به هر حال امام خمینی (علیه السلام) دیدگاه‌ها، آراء و اندیشه‌های متنوع سیاسی، اجتماعی، فقهی، اصولی، فلسفی، عرفانی و تربیتی خود را در قالب تألیفات، سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های متعدد و به اقتضای مسایل مستحدثه اجتماعی، به خصوص بعد از وقوع انقلاب اسلامی، عرضه داشته است که با بررسی این تألیفات و آثار می‌توان به فضا و هندسه اندیشه و تفکر امام (علیه السلام) دست یافت. بنابراین با دسته بندی آثار و تألیفات امام خمینی (علیه السلام)، به شرح زیر، می‌توانیم به راحتی به این فضا و هندسه دست یابیم.

دسته بندی و نوع‌شناسی آثار و اندیشه امام خمینی (علیه السلام)

با مروری مختصر می‌توانیم آثار و اندیشه‌های مکتوب و غیر مکتوب امام خمینی (علیه السلام) را به

شرح زیر دسته بندی نمایم:

الف. کتب و آثار عرفانی، اخلاقی، کلامی و فلسفی

یکی از وجوه بسیار بارز و غالب آثار و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، پرداختن به مسایل عرفانی و کلامی است، که ایشان در ضمن این آثار، به ارایه نظرات خود پرداخته است؛ از جمله کتبی چون «شرح دعای سحر»، «حاشیه بر شرح التعلیفة علی فوائد الرضویة اثر مرحوم قاضی سعید قمی»، «شرح جنود عقل و جهل»، «مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة»، «حاشیه بر شرح فصوص الحکم اثر محی الدین عربی»، «حاشیه بر مصباح الانس». هم‌چنین «اربعین حدیث» یا «شرح چهل حدیث» که یکی از آثار گرانبهای اخلاقی و عرفانی امام (ره) است که در سال ۱۳۵۸ به زبان فارسی نوشته شده است و شامل چهل حدیث از روایات پیشوایان دین از کتاب شریف «اصول کافی» درباره مسایل اخلاقی است.

کتاب «سراصلوة» (صلاة العارفين و معراج السالکین) نیز کتابی است عرفانی که هم به عرفان نظری و هم عرفان عملی و پیمودن مقامات عرفانی پرداخته است. هم‌چنین کتاب «آداب الصلوة» که شرحی است مبسوط بر آداب و اسرار معنوی نماز و «رساله لقاء الله»، که رساله‌ای است فارسی از امام خمینی (ره) پیرامون مسایل عرفانی که به عنوان ضمیمه در انتهای رساله لقاء الله تالیف آیت الله حاج میرزا جواد ملکی (انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۰) آمده است. «رساله فی الطلب والاراده» نیز اثری است اصولی، فلسفی و عرفانی و هم‌چنین «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس»، که حاوی نکات اخلاقی و تربیتی فراوان است. «تفسیر سوره حمد» و «حاشیه بر اسفار» (اسفار اربعه تالیف فیلسوف شهیر اسلام صدرالمتهلین) نیز از دیگر کتاب‌ها و آثار عرفانی و فلسفی امام خمینی (ره) است.

ب. کتب و آثار سیاسی و اجتماعی

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۲۳ هـ ش کتاب «کشف الاسرار» را که یک اثر سیاسی و اجتماعی خاص است، تألیف و منتشر ساخت و در آن به شبهات و تبلیغات ضد مذهبی و ضد دینی و مخالف روحانیت، به خصوص به مقاله «اسرار هزار ساله» یک فرد منتسب به وهابیت پاسخ گفت و با رجوع به حقایق و واقعیات تاریخی، ضمن طرح و نقد آرای فلاسفه یونان قدیم و فلاسفه اسلام و معاصر غرب، بر حقاقت تشیع و نقش سازنده روحانیت اسلام تأکید ورزید. در این کتاب اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت مطرح شده است.

دیگر اثر امام خمینی (ره)، کتاب «حکومت اسلامی» یا «ولایت فقیه» است که حاوی آرای اجتهادی ایشان درباره حکومت اسلامی، جدایی ناپذیری دین از سیاست و ولایت فقیه در عصر غیبت است. هم‌چنین «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس» نیز کتابی از ایشان است که حاوی مسایل

اخلاقی و بعضاً اجتماعی است.

ج. کتب و آثار فقهی و اصولی

کتاب «انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه» اثری است به زبان عربی در مباحث عقلی علم اصول فقه، که امام (علیه السلام) آن را به صورت حاشیه‌ای بر مباحث مذکور از کتاب «کفایه الاصول» آیه الله آخوند خراسانی در سال ۱۳۶۸ هـ ق تألیف نموده‌اند و تا حدودی مسایل اصولی و آراء و مکتب اصولی امام (علیه السلام) را مشخص می‌سازد.

رساله «بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر» رساله‌ای است تحقیقی و اجتهادی به زبان عربی که به بحث پیرامون «قاعده لاضرار» که خود از اصول و قواعد مهم فقهی است، پرداخته است. همچنین رساله «الاستصحاب»، اثری است اجتهادی به زبان عربی در مبحث «استصحاب» از مباحث مهم علم اصول فقه، که ایشان در سال ۱۳۷۰ هـ ق تألیف آن را به پایان رسانیده است. رساله «فی التعادل والتراجیح» از مباحث علم اصول فقه است که در آن، حضرت امام (علیه السلام) از معیارهای انتخاب دلیل در مقام تعارض ادله بحث نموده‌اند. هم‌چنین آثاری دیگر هم‌چون رساله «الاجتهاد والتقلید»، «مناهج الوصول الی علم الاصول» (بحث پیرامون الفاظ علم الاصول)، «رساله فی التقیه» (فلسفه وجوب تقیه برای حفظ دین نه محور دین)، رساله «فی قاعدة من ملک» (رساله‌ای اجتهادی درباره قاعده فقهی موسوم به قاعده من ملک)، رساله‌های «فروع علم اجمالی» (بحث پیرامون شک در نماز)، «موضوع علم اصول» (بحث پیرامون موضوع علم و موضوع علم اصول) و «تعلیقه علی العروة الوثقی» (شامل فتاوی فقهی امام (علیه السلام) درباره ابواب مختلف فقه) را می‌توان جزء کتب و آثار و کتب فقهی و اصولی حضرت امام (علیه السلام) برشمرد.

د. کتب و آثار اقتصادی

از میان آثار و اندیشه‌های اقتصادی امام (علیه السلام) می‌توانیم به آثاری چون «مکاسب محرّمه» اشاره نمود که اثری است اجتهادی در فقه استدلالی در موضوع انواع کسب‌های حرام و مسایل پیرامون آن. «حاشیه بر رساله ارث» که حاوی فتاوی فقهی حضرت امام (علیه السلام) در احکام ارث است، نیز به صورت حاشیه‌ای بر «رساله ارث» مرحوم ملا هاشم خراسانی صاحب کتاب «منتخب التواریخ» نوشته شده است. کتاب «البیوع» نیز در ۵ جلد، اثری در فقه استدلالی پیرامون ابواب مختلف مربوط به بیع و تجارت است.

ذ. آثار و کتب شرعی و دینی (فتاوا و توصیه‌های عملی شرعی و دینی)

«توضیح المسایل» (رساله عملیه) حاوی فتاوی امام (علیه السلام) در ابواب مختلف فقه است که با عنوان رساله عملیه ایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. «مناسک حج» (شامل دستورات و فتاوا؛

امام(علیه السلام) پیرامون شیوه و کیفیت انجام مراسم، شعار و مناسک حج است، «تحریر الوسیله»، «الخلل فی الصلوة» (احکام فقهی خلل نماز) و «الطهاره» (جلد ۴) مشتمل بر مباحث به طهارت از ابواب فقه که به شیوه فقه استدلالی و اجتهادی است، از دیگر آثار امام(علیه السلام) در این زمینه به شمار می‌رود.

ر. آثار و اندیشه‌های تربیتی (آثار جمع‌آوری شده منتسب به امام(ره))

علاوه بر کتبی چون «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس»، «رساله فی الطلب والاراده»، «رساله لقاء الله» و بعضی دیگر کتب قابل اشاره که به نوعی جنبه تربیتی دارند، می‌توان به مجموع سخنرانی‌ها و پیام‌ها و اعلامیه‌هایی که حضرت امام(علیه السلام) به مناسبت‌های مختلف عرضه داشته‌اند نیز اشاره نمود که البته این آثار و اندیشه‌ها توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(علیه السلام) به صورت کتب مختلف به چاپ رسیده‌اند و می‌توان به عنوان نمونه به کتبی چون «در جستجوی راه از کلام امام»، «فرهنگ و تعلیم و تربیت» و مجموعه «صحیفه نور» اشاره نمود.

البته شاید فقدان اثری مکتوب و خاص در زمینه تعلیم و تربیت از امام(علیه السلام)، این نظریه را قوت ببخشد که نمی‌توان امام خمینی(علیه السلام) را به عنوان یک مربی یا نظریه پرداز تربیتی به حساب آورد؛ اما از جانب دیگر با مروری بر آثار جمع‌آوری شده مربوط به امام(علیه السلام)، می‌توان به این حقیقت پی برد که اگرچه امام خمینی(علیه السلام) نظریه‌های مدون و نظام‌داری در باب تعلیم و تربیت ارائه نکرده‌اند، به شکلی که بتوان یک نظام تربیتی مدون، مدرج و دارای مراحل مشخص و... منسوب به امام(علیه السلام) را ارائه کرد، اما ایشان درباره اصول، مبانی و اهداف تعلیم و تربیت و محتوا و کیفیت تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های مشخص و خاصی ارائه کرده‌اند که در نوع خود می‌تواند الگو و راهنمای بسیار مهمی برای طراحان و برنامه ریزان درسی و آموزشی باشد.

شیوه‌ها و مدل‌های گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی(علیه السلام)

در مقدمه یادآور شده‌ایم که هدف از این مقاله، یافتن شیوه‌ها و مدل‌های مناسب جهت گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی(علیه السلام) در قالب برنامه‌های تربیتی و آموزشی است و البته روش‌هایی که ارائه می‌شود جز در بعضی موارد، مختص اندیشه‌های امام(علیه السلام) نیست، بلکه می‌تواند در آرای دیگر اندیشمندان نیز مصداق داشته باشد.

الف. طراحی سیستم آموزشی خاص (نظام آموزشی تجربی)

یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند در جهت گسترش آرای امام خمینی(علیه السلام) در قالب برنامه‌ها و محتوای آموزشی به کار گرفته شود، طراحی نظام آموزشی خاص است که اختصاصاً متأثر و مبتنی بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی(علیه السلام) باشد. طرفداران یک اندیشمند و مربی تربیتی، در

جهت اشاعه آراء و اندیشه‌های او، می‌توانند به طراحی و ساماندهی مراکز یا مدارسی بپردازند که رسالت اصلی و اساسی آن‌ها، گسترش و نشر اندیشه‌های اندیشمند و مربی مورد نظر باشد. مدرسه تجربی مورد نظر «دیوبی» نمونه‌ای از تلاش طرفداران اندیشه «دیوبی» در جهت تحقق و گسترش آرای تربیتی و فلسفی اوست.

اساساً طراحی نظام آموزشی به معنی پیش بینی یک روال منطقی از فعالیت‌هایی است که برای رسیدن به هدف‌های شخص و مطلوب انجام می‌گیرد. این نظام، مراحل همچون شناسایی و تثبیت نیازها، تشخیص برون داده‌ها، توالی عملیات‌ها و شناسایی روش‌های یادگیری و تدوین اهداف، فلسفه، مبانی و اصول نظام تربیت و آموزشی مورد نظر و... را در برمی‌گیرد: «طراحی نظام آموزشی با تعیین چه باید انجام گیرد، آغاز می‌شود و به دنبال آن تصمیم‌های اجرایی عملی اتخاذ می‌گردد. طراحی قبل از عمل انجام می‌گیرد و فراگردی است برای نیل به مقصد و شناسایی لوازم رسیدن به آن جا، با بهره‌گیری از مطلوب‌ترین و کارآمدترین روش‌های ممکن». (رخشان، ۱۳۷۰، ص ۳۲).

به هر حال، آموزش و پرورش را می‌توان به عنوان فراگرد تجهیز فراگیران با مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌ها در نظر گرفت، طوری که فراگیران پس از فراغت از تحصیل، بتوانند در جامعه، حیاتی شایسته و زندگی اجتماعی و فردی مفید و سودمندی داشته باشند. محصول یک نظام آموزشی، کسب مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های خاص است. در قالب این روش، می‌توان به این امید بود که آراء و اندیشه‌های مختلف امام خمینی (علیه السلام) (چنان‌که در دسته بندی آثار امام (علیه السلام) به آن اشاره کردیم) به صورتی عرضه شود که فراگیران مختلف به طور نظام‌دار و سیستماتیک با آن مواجه شده و به فراگیری آن بپردازند؛ به گونه‌ای که با ورود به یک سیستم آموزشی ویژه (با عنوان و نام خاص)، آثار و اندیشه‌های امام خمینی (علیه السلام) به صورت اهداف، اصول، مبانی، روش‌ها و محتوای آموزشی و تربیتی خاص و مدوّن و مدوّج در اختیار آن‌ها قرار گیرند. به عبارت دیگر، بر اساس این روش، نهادهایی آموزشی خاصی طراحی می‌شود که آنچه در آن نهاد آموخته می‌شود (محتوای آموزشی)، آنچه دانش‌آموزان در پی آن هستند (اهداف آموزشی و تربیتی) و روش‌هایی که دانش‌آموزان از راه آن می‌آموزند، به شکلی با اندیشه‌ها و آرای امام خمینی (علیه السلام) در ارتباط است. به عنوان مثال، در چنین نهادی، کتب فلسفی، عرفانی، اخلاقی و دیگر آثار امام (علیه السلام) می‌تواند به عنوان محتوای آموزشی تدریس شود و هدف همان چیزی باشد که از این محتوا انتظار می‌رود. البته دست‌یابی به فلسفه تربیتی مدوّن و مورد نظر امام خمینی (علیه السلام) نیز می‌تواند بخشی از عمل طراحی نظام آموزشی به حساب آید.

ب. آموزش مستقیم اثر و اندیشه

یکی دیگر از روش‌های گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی (علیه السلام) در برنامه‌های آموزش و پرورش، عرضه و آموزش مستقیم و بی‌واسطه بخشی از آثار و اندیشه‌های امام خمینی (علیه السلام) در

قالب بخشی از برنامه‌های درسی در مدارس است. به عنوان مثال می‌توان بخشی از «شرح چهل حدیث» امام(علیه السلام) را به عنوان محتوای مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی در کنار دیگر محتواهای اخلاقی هم‌چون بینش دینی و اسلامی به صورت یک درس الزامی، در بطن برنامه‌ها و دروس مدارس گنجانند تا همان طور که دانش‌آموزان دروسی را با عنوان فلسفه، ریاضی، علوم و... می‌گذرانند، درس‌هایی را نیز در زمینه اخلاق بگذرانند که یکی از محتواهای مناسب آن، اثر اخلاقی یاد شده باشد.

هم‌چنین می‌توان دیگر آثار امام(علیه السلام) همچون کتاب «ولایت فقیه» و یا کتاب «البیح» را به عنوان بخشی از برنامه درسی مربوط به مسایل سیاسی یا اقتصادی یا دروسی در عرض دیگر دروس قرار داد. هم‌چنین می‌توان آثار و نظریه‌های فقهی و اصولی و نظریه‌های امام(علیه السلام) درباره تکالیف شرعی و دینی مسلمانان را، به عنوان نظریه‌هایی در عرض نظریه‌های دیگر و به طور صریح، در متن برنامه‌های درسی قرار داد. بنابراین هدف از آموزش مستقیم یک اثر، در نظر گرفتن اثری خاص از امام(علیه السلام) به عنوان بخشی از برنامه درسی مدارس است.

ج. آموزش و عرضه غیر مستقیم اثر و اندیشه

همگام با عرضه مستقیم آثار و اندیشه‌های امام(علیه السلام) و آموزش آن به صورت بخشی از دروس برنامه‌های درسی، می‌توان به عرضه غیر مستقیم اندیشه‌های امام(علیه السلام) نیز اقدام نمود؛ به گونه‌ای که به صورت غیر مستقیم، اما مشخص و شفاف، اندیشه‌های امام(علیه السلام) به صورت بخشی از اهداف یک درس، در کنار دیگر اهداف مطرح شود. به عبارت دیگر، عرضه بخش‌هایی از اندیشه‌ها و آثار فکری امام(علیه السلام) به صورت هدف‌های یک درس یا به تعبیر دیگر اهداف رفتاری مربوط به آن درس، می‌تواند شیوه‌ای خاص در طرح اندیشه‌های امام(علیه السلام) باشد. هدف‌های رفتاری، محصول آموزش و یادگیری است که پس از آموزش یک درس یا واحد یا دوره از یادگیرنده انتظار می‌رود البته «اهداف رفتاری می‌توانند هم آشکار باشند و هم پنهان. هدف پنهان همان فهمیدن، درک کردن، احساس کردن و فکر کردن است و هدف‌های آشکار همان عمل کردن، تبدیل کردن، خواندن و توضیح دادن است. اهداف رفتاری می‌توانند از بسیار کلی به هدف‌های کلی و سپس ویژه و بسیار ویژه تنظیم شوند» (طهوریان ۱۳۷۲، ص ۴۰).

«بلوم» هدف‌ها را در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم کرده است و علاوه بر وی افرادی چون «الیزابت جین»، «سیمسون» نیز در زمینه اهداف کار کردند که البته اهداف را بر اساس درجه پیچیدگی و دشواری آن‌ها تقسیم نموده‌اند (Simpson 1972، ج ۳، ص ۳۶).

بنابراین عرضه بخشی از آثار و اندیشه‌های امام خمینی(علیه السلام) در متن و محتوای درسی به گونه‌ای که هدف از آموزش آن، انجام دادن و یاد گرفتن و فهمیدن چیزی باشد که مورد نظر امام(علیه السلام) است، یکی از روش‌های گسترش اندیشه‌های امام(علیه السلام) در بین دانش‌آموزان به حساب

می‌آید. به عنوان مثال، امام خمینی (علیه السلام) در بحث‌های اخلاقی و عرفانی خود از جمله در مباحث مربوط به تهذیب نفس (سراصلوة و یا چهل حدیث) مراحل‌لی را نظیر مشارطه، مراقبه و محاسبه برای تهذیب و تزکیه نفس برمی‌شمارد. اگر ما بتوانیم این مراحل را به طور عملی و به صورت هدف‌های رفتاری آشکار و نهان از دانش‌آموز انتظار داشته باشیم، در این صورت خود به خود بخشی از اندیشه امام (علیه السلام) نیز گسترش خواهد یافت. در زمینه دیگر ابعاد اندیشه امام (علیه السلام) نیز دانش‌آموزان اگر بتوانند به درک، فهم، توضیح دادن اندیشه و آثار امام (علیه السلام) بپردازند، بخشی دیگر از این آراء و اندیشه گسترش خواهد یافت.

غایت نهایی تمامی اهداف رفتاری، رشد آرزمانی تمامی وجود آدمی است و تقسیم بندی اهداف به کلی و ویژه، می‌تواند جهت تسهیل و تسریع این رشد صورت گیرد؛ چنان‌که «دیویی» از «تربیت شهروندان و انسان‌های کامل» (1956، ص ۲۲)، «مک دونالد» از «اجتماعی شدن، رشد و آزاد سازی» (1977، ص ۱۶) «وایتهد» از «رشد فردی» صحبت می‌کند (1929، ص ۱۳).

د. آموزش و یادگیری اکتشافی

در این شیوه به جای اینکه مستقیماً خود متن یا بخشی از متن به دانش‌آموزان عرضه شود، لازم است به طور غیر مستقیم، ضمن طرح مباحث، پرسش‌هایی مطرح شود که پاسخ آن در خود متن نیست، بلکه دانش‌آموزان موظف به کشف پاسخ آن به واسطه تحقیق و پژوهش آثار مربوط هستند. به عبارت دیگر، به جای اینکه دانش به دانش‌آموز عرضه شود، زمینه کشف و جستجوی پاسخ فراهم می‌شود. البته این شیوه یادگیری و آموزش، مورد نظر «سقراط»، «روسو»، «دیویی» و... بوده است. «الگوی اصلی اجرای یادگیری اکتشافی، شامل مواردی است چون انتخاب یک مسئله یا پرسش، تدارک‌ترین و پرسش لازم، کمک به استنتاج و اکتشاف و بیان یک نتیجه» (Clark 1970، ص ۲۳۱).

با توجه به تنوع آثار امام خمینی (علیه السلام)، می‌توان پرسش‌های مورد نظر را در مورد تمامی آثار و آرای ایشان مطرح نمود؛ طوری که از دانش‌آموز خواسته شود تا با پژوهش به بخشی از آرای امام دست یابد. به عنوان مثال در کتاب تاریخ می‌توان ضمن طرح مباحثی در زمینه تحولات پنجاه سال گذشته ایران، پرسش‌هایی را در زمینه نقش امام (علیه السلام) در بروز و ظهور آن تحولات مطرح نمود؛ به گونه‌ای که یافتن پاسخ آن پرسش‌ها مستلزم غور و تفحص در اندیشه‌ها، آراء و نقش امام (علیه السلام) در ظهور آن تحولات باشد. در زمینه برنامه‌های درسی مربوط به مسایل اجتماعی و سیاسی نیز می‌توان ضمن طرح مباحثی پیرامون حکومت، قدرت و سیاست، با طرح پرسش‌هایی زمینه پژوهش در اندیشه‌ها و آرای امام (علیه السلام) توسط دانش‌آموز را فراهم آورد. به هر حال می‌توان در تمامی زمینه‌هایی که حضرت امام (علیه السلام) اندیشه و نظریه خاص خود را دارند و قابل طرح در برنامه‌های درسی مدارس نیز هست، پرسش‌هایی را مطرح نمود که پاسخ‌یابی

برای آن‌ها، مستلزم تفحص در آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام) باشد؛ چراکه نفس کشف پاسخ و تحقیق توسط خود دانش‌آموز، می‌تواند به نشر و تعمیق اندیشه‌های امام (علیه السلام) کمک نماید. البته انجام دادن تحقیق و پژوهش توسط دانش‌آموزان در زمینه آثار امام (علیه السلام)، مستلزم حمایت و هدایت آن‌ها توسط معلمان است؛ چراکه ممکن است دانش‌آموزان در یافتن پاسخ‌ها دچار مشکل شوند: «برای انجام کارهای تحقیقی، ابتدا باید فهرستی از پرسش‌ها و طرح‌های تحقیقی پیشنهاد شوند. این پرسش‌ها و طرح‌ها باید اهداف مشخصی داشته باشند. انجام این فعالیت مستلزم آن است که معلم در عین اینکه دخالتی در انجام آن ندارد، اما در موقع لزوم شاگردان را راهنمایی می‌کند. معلم باید با حضور دایمی خود و در موقع لزوم به آنها کمک نماید» (طهوریان، ص ۲۷۷).

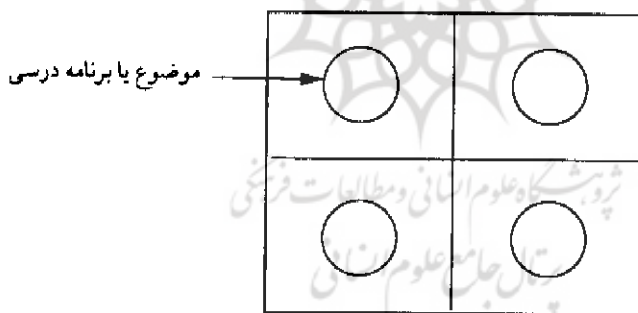
ذ. طراحی برنامه‌های درسی خاص (با مدل خاص)

یکی دیگر از شیوه‌های گسترش آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام)، طراحی برنامه درسی خاص است. مراد از خاص بودن برنامه درسی، طراحی برنامه درسی مبتنی بر آثار و آرای امام خمینی (علیه السلام) است، به گونه‌ای که به واسطه این برنامه‌های درسی، بتوان اندیشه امام (علیه السلام) را در قالب برنامه‌های آموزش و پرورش گسترش داد.

آنچه در این میان مهم است، صرفاً طراحی برنامه‌ای درسی بر اساس آثار و تالیفات امام (علیه السلام) نیست، بلکه شیوه طراحی برنامه درسی و مدل‌های خاص آن است که می‌تواند نقش مهمی در گسترش و تفهیم اندیشه و آرای امام (علیه السلام) ایفاء نماید. بنابراین سؤال این است که: بهترین مدل طراحی برنامه درسی جهت گسترش آراء و آثار امام (علیه السلام) کدام است و یک برنامه درسی مطلوب و مناسب باید از چه ساختار و مدلی باید برخوردار باشد تا بتواند بهتر به تعمیق و گسترش آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام) منجر شود؟ به عبارت دیگر، اگر خواسته باشیم آراء و اندیشه‌های امام (علیه السلام) را در قالب برنامه‌های درسی خاص گسترش دهیم، این برنامه درسی باید بر چه مدل‌هایی استوار باشد؟ برای پاسخ به این مسئله و بررسی این موضوع، به مدل‌هایی از برنامه درسی اشاره می‌کنیم که در صورت تحقق و اجرا و تدوین می‌توانند نقش مؤثری در گسترش آرای امام (علیه السلام) ایفاء نمایند. آنچه در تمامی مدل‌های طراحی برنامه درسی زیر مورد توجه طراحان است، تأکید بر رویکردی ارتباطی (ربطی) بین برنامه‌های مختلف درسی است؛ طوری که با ایجاد ارتباط و تلفیق برنامه‌های مختلف درسی، بهتر بتوان آرای امام (علیه السلام) را گسترش داد. در این طراحی خاص، شرط لازم برای گسترش آراء، ایجاد ارتباط بین برنامه‌های درسی و یا موضوعات درسی مختلف است. نکته دیگر این که در این مدل‌ها، هم می‌توان آثار و آرای مختلف امام (علیه السلام) را نسبت به هم و نسبت به آرای دیگر اندیشمندان و دیگر نظریه‌ها مرتبط ساخت و هم می‌توان به تلفیق آن‌ها اقدام نمود.

۱. برنامه درسی با مدل شکسته (مجزا)

یکی از طراحی‌های سستی و یا سازماندهی برنامه درسی، طراحی با مدل شکسته یا مجزا (Fragmented) است. «در این نوع طراحی، برنامه یا موضوعات درسی به طور جداگانه و مجزا از هم عرضه می‌شوند. هر برنامه درسی تنها یک بعد از یک موضوع را، آن هم جدای از دیگر ابعاد و موضوعات شامل می‌شود. به عنوان مثال، رشته‌ها یا برنامه‌های درسی مجزا همچون ریاضی، علوم، فیزیک، فلسفه و یا اخلاق و همچنین زبان و مطالعات اجتماعی، جداگانه طراحی و عرضه می‌شود و هر کدام قلمرو خاص و جدایی را شامل می‌شود. این موضوعات، برنامه‌ها یا دروس، توسط معلمان متفاوت و در زمان‌های جداگانه و مکان‌های مجزا عرضه می‌شوند. در این مدل برنامه‌های درسی به موضوعات و قلمروهای جداگانه شکسته و جدا می‌شوند» (Robin, 1991, ص ۶۲). بنابراین، طراحان برنامه درسی می‌توانند بعضی از آثار و آرای امام (علیه السلام) را به صورت دروس و برنامه‌های درسی مجزا و جدای از هم و به عنوان بخشی از یک برنامه درسی یا درس خاص، طراحی و عرضه نمایند. به عنوان مثال کتاب‌ها و یا آثاری چون «ولایت فقیه»، «سراصلوة»، «شرح چهل حدیث»، «کتاب البیوع» و... می‌توانند جداگانه و مستقل یا به صورت بخشی از برنامه‌های درسی مربوط به موضوعات سیاسی، اخلاقی و اقتصادی و در کنار دیگر موضوعات مختلف و متفاوت عرضه شوند. این مدل را به شکل زیر می‌توان نشان داد.



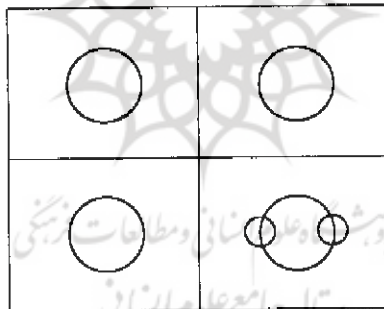
Fragmented Model

۲. طراحی برنامه درسی مرتبط با هم

در این مدل از طراحی برنامه درسی (Connected model)، طراحان به دنبال ایجاد ارتباط ممکن بین بخش‌های مربوط به هم و یا کشف ارتباط درونی بین یک رشته یا موضوع با موضوعات دیگرانند. به عبارت دیگر، به دنبال یافتن مفاهیم یا مهارت‌هایی هستند که در چند موضوع یا برنامه درسی وجود دارند و به نوعی مربوط به هم هستند. «به عنوان مثال طراحان برنامه درسی و یا معلمان درس زمین‌شناسی می‌توانند در بعضی مباحث مربوط به زمین‌شناسی به طرح مسایل مربوط به درس نجوم اقدام نمایند؛ به خصوص آن بخشی که مربوط به ماهیت

تحول و تکامل زمین است می‌تواند با بحث تحول و تکامل سیارات دیگر مربوط شود، چراکه مفاهیم موجود در هر دو مشابه به هم هستند.» (همان،) در این مدل، محتوای دروس مختلف می‌تواند عنوان با عنوان، مهارت با مهارت و مفهوم با مفهوم یا یکدیگر مرتبط باشد.

با توجه به این مدل، می‌توانیم آن دسته از آراء و اندیشه‌های امام(علیه السلام) را که به نوعی قابل طرح در دیگر موضوعات و یا مربوط به هم هستند، در قالب موضوعات مربوط به هم عرضه نماییم. به عنوان مثال عنصر دین در تمامی آثار و آرای امام(علیه السلام) جایگاهی اساسی دارد. برای تفهیم این دیدگاه امام(علیه السلام)، می‌توانیم مفهوم دینی بودن را در تمامی موضوعات، به صورت آشکار نشان دهیم. مثلاً، در کنار عرضه آراء و اندیشه‌های اخلاقی امام(علیه السلام) (به عنوان یک برنامه درسی) و بیان ملاحظات دینی آن، می‌توانیم موضوع سیاست را که از منظر امام(علیه السلام) امری دینی است، مطرح نماییم. بنابراین دو موضوع اخلاق و سیاست به خاطر وجود عنصر مشترک (دین) در هر دو، می‌توانند با هم عرضه شوند. به عبارت دیگر می‌توانیم در کنار بحث اخلاق، بحث سیاست را نیز داشته باشیم. این مدل، این فرصت و امکان را فراهم می‌کند که با یادگیری یک موضوع درسی خاص و مورد نظر (به عنوان مثال اخلاق)، زمینه و فرصت درک و فهم موضوع دیگر (سیاست) فراهم آید. این مدل را می‌توان به صورت زیر نشان داد.

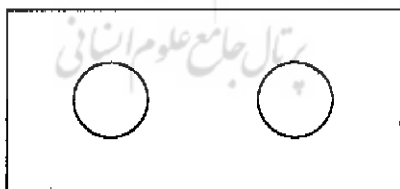


Connected Model

۳. برنامه درسی متصل و پیوسته

در طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدل متصل و پیوسته (Sequenced) که اساساً برای دروس مختلف دارای زمینه‌های مشترک فراوان در نظر گرفته می‌شود، «فرض بر این است که معلمان یا طراحان برنامه درسی می‌توانند واحدها یا دروس یا برنامه‌ها و عناوین مورد مطالعه را به گونه‌ای در کنار هم و پیوسته و متصل به هم قرار دهند که به طور هم‌زمان بتوان به عرضه دو موضوع اساساً متفاوت اما دارای بخش‌های مشابه فراوان اقدام نمود. به عبارت دیگر، در این مدل مفاهیم و عناوین مشابه و قابل انطباق، در کنار هم قرار می‌گیرند. در این مدل، موضوعات و عناوین جهت انطباق مجدداً ترتیب می‌یابند. به عنوان مثال، می‌توان واحد یا عنوان نقشه

برداری را همزمان با واحد هواشناسی و در کنار هم و متصل و پیوسته به هم آموزش داد، به نحوی که بعد از آموزش نقشه برداری، عنوان هواشناسی آموزش داده شود. یا درس آمار در کنار درس زمین‌شناسی در نظر گرفته شود، به نحوی که برای یادگیری زمین‌شناسی آمار نیز آموخته شود.» (همان). در این مدل دروس و برنامه‌های درسی، در عرض هم در نظر گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر ترکیب عناوین مربوط و مشترک، هدف اصلی این مدل است. به این منظور و با عنایت به تنوع آثار و آرای امام(علیه السلام) و در جهت گسترش و تعمیق آثار و اندیشه‌های ایشان، آن دسته از آراء و اندیشه‌های امام(علیه السلام) که می‌تواند به عنوان برنامه درسی و یا یک درس خاص و به صورت پیوسته و متصل با دیگر آرای ایشان تدوین و عرضه گردد، باید در طراحی برنامه درسی با مدل متصل و پیوسته و مستمر طراحی و تدوین شود. به عبارت دیگر، اگر قرار بر طراحی برنامه درس خاصی مبتنی بر آراء و اندیشه امام(علیه السلام) است، بر اساس این مدل باید آن دسته از آراء که قابلیت انطباق و اتصال و پیوستگی و استمرار در آن‌ها وجود دارد، مورد توجه قرار گیرند. مثلاً اگر خواسته باشیم اثری چون «مکاسب محرّمه» یا «کتاب البیوع» امام(علیه السلام) را که اثری اجتهادی در فقه استدلالی در موضوع اقتصاد است، به عنوان بخشی از یک برنامه درسی مربوط به اقتصاد عرضه نماییم، می‌توان هم‌زمان، آثاری چون «تعلیقہ علی العروۃ الوثقی» که شامل فتاوی فقہی امام(علیه السلام) در باب ابواب مختلف فقه است، یا رساله اجتهادی درباره قاعده فقہی موسوم به «قاعده من ملک»، و یا دیگر آثار فقہی امام(علیه السلام) را نیز متصل و به پیوست موضوع مربوط به اقتصاد مطرح و عرضه نمود که هم‌زمان به تعمیق دیگر آثار امام(علیه السلام) منجر شود. بنابراین یکی دیگر از راه‌های گسترش و تعمیق آثار امام(علیه السلام) طراحی برنامه درسی با مدل متصل و پیوسته است که به شکل زیر نشان داده می‌شود:

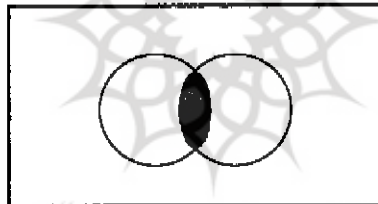


Sequenced Model

۴. برنامه درسی مبتنی بر مدل اشتراکی (سهیم بودن)

در مدل اشتراکی (Shared)، سعی بر این است که تا حدّ ممکن، در عین عرضه برنامه‌های درسی یا دروس مجزا و منفک و با عناوین متفاوت (عرضه دروس متفاوت ولی در عرض هم)، نقاط مشترک و سهیم یک برنامه درسی با دیگر برنامه نیز به طور مجزا و جداگانه و در یک تصویر واحد نگریسته شود. به عنوان مثال، در ریاضیات و علوم، جمع آوری داده‌ها، چارت

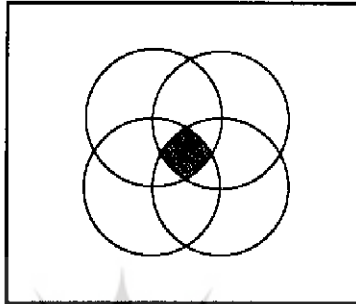
بندی، محاسبه و نقشه برداری، جزء بخش‌های مشترک به حساب می‌آیند. بر اساس این مدل، می‌توان ریاضیات و علوم را بر اساس این نقاط مشترک، به صورت یک تصویر واحد ترسیم نمود که نشان دهنده وجوه مشترک ریاضی و علوم خواهد بود. این نقاط مشترک چون یکدیگر را پوشش می‌دهند، به صورت یک تصویر واحد نگریسته می‌شوند. بر این اساس چه آرای امام(علیه السلام) از تنوع موضوعی و مفهومی فراوانی برخوردار است، اما گاهی مفاهیمی وجود دارند که به استناد آنها، می‌توان تصویری واحد از آن موضوعات متنوع عرضه نمود. به عنوان مثال در نظریات اقتصادی امام(علیه السلام) (کتاب البیع و مکاسب محرّمه و...) مفهوم جمع‌گرایی و اصل لاضرر نهفته است و در مباحث اخلاقی و عرفانی نیز امام(علیه السلام) رویکردی جمع‌گرایانه دارند و در عرصه سیاست و حکومت نیز به جمع توجه خاصی دارند. بنابراین متوجه می‌شویم که عنصر مفهومی «جمع‌گرایی» در تمامی موضوعات و آرای امام(علیه السلام) نهفته است. بنابراین می‌توان برنامه درسی را در مورد اقتصاد، سیاست و اخلاق از منظر امام خمینی(علیه السلام)، با رویکرد (تصویر) واحد جمع‌گرایانه تنظیم و عرضه نمود. در این صورت هم آرای امام(علیه السلام) عرضه شده و هم با طرحی نو و تصویری جدید، به گسترش آرای ایشان پرداخته شده است. این مدل به صورت زیر نشان داده می‌شود.



Shared Model

۵. برنامه درسی با مدل تلفیقی (Integarted Model) از طراحی برنامه درسی، سعی طراحان بر این است که با تلفیق موضوعات و رشته‌ها یا برنامه‌های درسی متفاوت و مجزا، محصولی به دست آورند که فی نفسه قائم به ذات نیست، بلکه حاصل تلفیق رشته‌ها و برنامه‌ها و موضوعات متنوع دیگر است. در این مدل، به جنبه‌های بین رشته‌ای یا بین موضوعی برنامه درسی توجه می‌شود و با اختلاط موضوعات و مفاهیم و عناوین مختلف، محصولی به دست می‌آید که بین همه آن موضوعات و مفاهیم و عناوین مشترک است. به عنوان مثال رشته تعلیم و تربیت یا مفهوم تعلیم و تربیت، می‌تواند محصول ایجاد ارتباط بین رشته‌ای و بین موضوعی بین رشته‌هایی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و... باشد. یعنی با مخلوط کردن موضوعاتی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و همپوش کردن مفاهیم موجود در آنها، می‌توان به مفهومی تازه به نام تعلیم و تربیت دست یافت. بر این اساس، با تلفیق و مخلوط کردن و

همپوشی دادن نظریات و آرای مختلف امام (علیه السلام) در زمینه‌های اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فقهی و اصولی، می‌توان به نظریه یا مفهوم جدیدی دست یافت که می‌تواند مورد نظر امام (علیه السلام) باشد؛ حتی اگر امام (علیه السلام) صراحتاً در آرای خود به آن اشاره نکرده باشد. حاصل این تلفیق و اختلاط، کشف نکات تازه در آراء و آثار امام (علیه السلام) است که زمینه گسترش و تعمیق آرای ایشان را به وجود می‌آورد. این مدل به صورت زیر نشان داده می‌شود.



Integrated Model

منابع

1. Elizabeth Jane simpson (1972): **The Classification of Educational objentiv in psycho - motor Domain**. vol 3. Highland park.
2. Dewey. John (1956): **Education and Democracy**. New York.
3. Macdonald . T.B (1977): **values Bases and I ssues for curriculum**. washington. D.C.
. Whitehead. A.N (1929): **The Aims of education**. New York.
4. Leonard. H. clark (1970): **Secondary school teaching methods**. New York.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی